

اخلاق حرفه‌ای عالمان مذاهب، راهکاری در تقریب مذاهب اسلامی

اخلاق حرفه‌ای عالمان مذاهب، راهکاری در تقریب مذاهب اسلامی

حامد نظریپور

دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه تهران

مقدمه

جای هیچگونه تردیدی نیست که از جمله مهم ترین موضوعاتی که امروزه جهان اسلام با آن دست به گریبان است وحدت اسلامی است. وحدت عنصری از عناصر اساسی زندگی و اصلی از اصول طبیعت و جهان آفرینش و یکی از لوازم فطرت انسانی است که مایه انس بشر است و ریشه در فطرت انسان دارد و منعکس کننده وحدت جهان آفرینش و وحدت نوع بشر است.

وحدت امت اسلامی، موضوعی نیست که در سده اخیر مطرح شده باشد، بلکه وحدت اسلامی باور و اعتقادی راسخ است که ریشه در قرآن کریم و سنت نبوی، که محور مشترک تمام مذاهب و فرق اسلامی هستند، دارد و دعوت به توحید کلمه و کلمه توحید، اساسی ترین دعوت اسلامی به شمار می رود. آموزه های قرآنی ضمن تاکید بر مرزبندی و جدا کردن صفوف از کفار و معاندان، به رفتار توأم با رحمت و رأفت و وحدت و الفت میان مسلمانان توصیه می کند (محمد رسول الله ﷺ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) و مسلمانان را به اتحاد حول ریسمان محکم الهی فرا می خواند (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) و از اتحاد و برادری به عنوان یک نعمت الهی یاد می کند (و لو انفقت ما فی الارض جمیعاً ما الفت بین قلوبهم و لکن انا الف بینهم) و تفرقه و منازعه در دین را مایه ضعف و سستی می خواند (وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رَیْحُكُمْ). این تاکیدها از يك سو مطلوبیت این امر را نزد خداوند و اولیایش مدبرساند و از دیگر سو رمز موفقیت و پیروزی مسلمانان را خاطر نشان می سازد.

سیره پیامبر اکرم(ص) نیز بر همین روش دلالت دارد و منش و سلوک آن حضرت بازتاب همان دستورهای خداوند در قرآن است. پیامبر اسلام که دعوت خود را با توحید آغاز کرده بودند، حتی تا هنگام رحلتشان، در راه استقرار توحید و وحدت اسلامی و همبستگی مسلمین و از بین بردن ریشه‌های اختلاف و تفرقه تلاش کردند و حتی نگران بازگشت اختلافات قبیله‌ای و تفرقه در میان مسلمین بعد از رحلتشان بودند و تعداد قابل توجهی از سخنان پیامبر گرامی اسلام (ص)، در جهت نفي تفرقه و نکوهش از آن و نهي مسلمین از امور تفرقه‌افکن و اختلاف برانگیز است.

همانطور که می‌دانیم منظور از وحدت و تقریب اسلامی ادغام مذاهب در یکدیگر نیست، بلکه تقریب مذاهب بیانگر بینش فکری و عملی در راستای ایجاد ذهنیت مثبت و سازنده میان پیروان مذاهب اسلامی نسبت به همدیگر می‌باشد که از طریق نفي تعصبات مذهبی و جزم‌نگری‌های غیرعلمی پیروان مذاهب اسلامی را به هم‌پذیری دینی و احترام به اصل تفاوت نظر در برخی از فروع دینی فرا می‌خواند. ولی با توجه به آن مشترکاتی که وجود دارد، می‌توانند در مقابل دشمن مشترکشان موضعی واحد بگیرند.

یکی از ابعاد اساسی «وحدت» که قابل بحث و بررسی مدّ باشد بعد راهبردی و راهکاری آن است؛ به این معنی که چگونه مدّ بتوان در جهان بحران زده و پر تشنّت اسلام به این پدیده آرمانی دست‌یافت؟ یکی از مباحثی که راه را برای ارائه راهکار وحدت و تقریب هموار می‌کند علت یا بی‌تفرقه است. به عبارت دیگر گام اول این است که بررسی کنیم چه عامل یا عواملی باعث تفرقه دینی میان مسلمانان شده است و در گام بعدی با جستجوی راهکارهایی برای از بین بردن این علتها، در تحقق وحدت اسلامی بکوشیم. در این مقاله پس از بررسی اجمالی شماری از علل تفرقه و موانع تقریب مذاهب، عاملی که قرآن آن را به صراحت علت تفرقه می‌داند بررسی کرده و راهکارهایی برای رفع آن ارائه خواهیم کرد.

علل تفرقه و موانع تقریب

الف) مروری کلی:

در مسیر اتحاد اسلامی و همبستگی مسلمانان جهان همواره مشکلات و موانع گوناگون وجود داشته و دارد. در مجموع عواملی که باعث پراکندگی و تشنّت جامعه اسلامی و در نتیجه، سوق مسلمانان به تعارض در حوزه مسائل دینی و اجتماعی می‌شود، را می‌توان به دو دسته عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم کرد. موانع بیرونی زائیده اغواگری‌ها و نیرنگ افکنی‌ها و توطئه‌های پیدا و پنهان قدرت‌های استعماری جهان است که اتحاد و همبستگی مسلمین را برای خود دردناک و تحمل‌ناپذیر می‌دانند و سعی دارند با ایجاد تفرقه و اختلاف و منازعه در میان ملل مسلمان جهان مانع تشکیل جبهه توحید و امت واحد اسلامی شوند.

موانع درونی را خود مسلمین به وجود می‌آورند و مولود تفکرات یکسویه و تنگ‌نظری‌ها و نگرش‌های سطحی و تحرکات و عملکردهای خطرناک ناشی از آن می‌باشد.

در مقایسه موانع برونی با موانع درونی، بدون هیچ شبهه و تردیدی خطر و آفات و آسیب ها و زیان های موانع درونی فزون تر و فاجعه آفرین تر می باشد. لذا برای تحقق هدف مقدس تقریب و وحدت مذاهب اسلامی و تشکیل جبهه متحد و مقتدر مسلمین جهان باید موانع درونی وحدت و همبستگی شناسایی و به طور دقیق بررسی و با تلاش های مستمر و روش های کارآمد مرتفع شوند.

از عوامل درونی تفرقه در جهان اسلام، می‌توان به این موارد اشاره کرد: اختلاف و تعدد مذاهب و عصبیت‌های مذهبی، سطحی نگری مسلمانان و عدم تحقیق و ژرف اندیشی، جهل متقابل، جعل و انتشار اتهامات یا اکاذیب و تبادل القاب و اوصاف نادرست، عصبیت‌های قومی و تعصب‌های اعتقادی و جمود فکری گروهی از فرق اسلامی و انحطاط اخلاقی و سقوط در پرتگاه بی بند و باری. هر یک از این عوامل شایسته تحقیق و بررسی اند که در این مقاله نمی گنجد.

ب) علل تفرقه در آیات قرآن

از آنجا که یکی از منابع معرفتی مسلمانان و نسخه هدایت بشری قرآن کریم است، لازم است بررسی کنیم این کتاب وحیانی که چهارده قرن پیش از جانب خالق انسانها، که نسبت به احوال انسان و اتفاقات عالم علم ازلی و ابدی دارد، بر پیامبر اسلام نازل شده است، علت افتراق در دین را چه می داند. آیاتی که ناظر بر افتراق امت هاست متعدد است، اما چهار آیه در قرآن کریم پس از بیان افتراق در دین علت آن را نیز ذکر می کند، که در ادامه به بررسی آنها می پردازیم.

در سوره بقره آیه 213 آمده است: «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيِّنَةً هُمْ» (تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانهای روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند).

در آیه 19 از سوره آل عمران نیز خداوند می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيِّنَةً هُمْ». (دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود).

مورد بعدی سوره شوری آیه 14 است که می فرماید: «وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيِّنَةً هُمْ» (آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد و این تفرقه جویی بخاطر انحراف از حق (و عداوت و حسد) بود).

در سوره جاثیه آیه 17 نیز علت افتراق را اینگونه بیان میکند: «فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيِّنَةً هُمْ» (آنها اختلاف نکردند مگر بعد از علم و آگاهی و

این اختلاف بخاطر ستم و برتری‌جویی آنان بود).

در سه آیه اول بطور کلی افتراق در دین را بحث می‌کند. در آیه آخر نیز علت افتراق میان بنی اسرائیل را بیان می‌کند. می‌بینیم که خداوند تنها علت افتراق را «بغی» ذکر می‌کنند. بَغْيٌ در لغت به معنای ظلم، فساد، طلب و خواستن، فجور، حسد، کبر و خودبزرگی بینی، تناول و تجاوز از حد یا حق آمده است. برخی از این معانی، از جمله طلب و حسد و کبر، معنای اصلی آن شمرده شده است (رجوع کنید به معجم مقاییس اللغة؛ لسان العرب؛ المفردات فی غریب القرآن؛ مجمع البحرین ذیل واژه؛ معجم الفروق اللغویة، (342). به نظر راغب (همانجا) بغی در قرآن بیشتر به معنای نکوهیده آن به کار رفته است و به معنای طلب، معمولاً به صیغه ثلاثی مجرد مضارع (مانند یَدْعُوْنَ) یا یکی از مشتقاتِ باب افتعال (ابتغاء مرضاة الله) آمده است، در حالی که بغی به معنای ظلم و تجاوز از حد یا حق، بیشتر به صورت فعل ثلاثی مجرد ماضی (بَغَتْ) دیده می‌شود. در احادیث نیز بغی به معنای تجاوز از حد، عدول از حق، ظلم، طلب رفعت و گردنکشی و بزرگی فروشی است (بحار الانوار، 72/276 و 277؛ لسان العرب؛ مجمع البحرین، همانجا). در بسیاری احادیث خصلتی ناپسند و مستوجب کیفر دنیوی و اخروی دانسته شده است (بحار الانوار، 72/273-279). در برخی منابع علم اخلاق نیز، بغی به مفهوم اخیر یا به طور کلی به معنای «عصیان و سرباز زدن از اطاعت کسی که پیروی از وی واجب است»، یکی از پلیدترین انواع کبر شمرده شده است (جامع السعادات، 1/401).

اکثر مفسران اعم از اهل تشیع و تسنن در تفسیر این آیات نظر مشابهی دارند. برای نمونه نظر چند مفسر را بررسی می‌کنیم تا ببینیم علت اختلافات دینی و مذهبی چه بوده تا در جهت رفع آن راه حلی بیندیشیم.

علامه طباطبائی در توضیح این آیات بیان می‌دارند که این اختلاف، دینی و مذهبی بوده که باعث انشعابها و چند دستگی‌ها در بشر شده است؛ و این اختلاف را، بنا به فرموده خداوند، حاملان و علمای دین و کسانی که به کتاب خدا علم داشتند ایجاد کرده‌اند. در تفسیر المیزان می‌خوانیم که این آیات انگیزه این عالمان را بغی، که به معنای ظلم یا حسد است، سرکشی، طغیان و دشمنی میان خود معرفی می‌کنند. پس این اختلاف از جهت جهل و شبهه نبوده است بلکه بطور کلی تفرقه زمانی در دین آغاز شد که مردمی که قبلاً علم به آنچه حق است داشتند ولی ظلم یا حسدی که بین خود معمول کرده بودند نگذاشت بر طبق علم خود عمل کنند و در نتیجه در دین خدا اختلاف به راه انداختند (ترجمه تفسیر المیزان؛ 182/2 و 186؛ 18/42 و 253).

وهبه الزحیلی نیز در تفسیر این آیات، اختلاف را در دین و بین علما و اهل نظر در کتاب آسمانی می‌داند. ایشان اشاره می‌کنند که بنا به این آیات اختلاف آنها به خاطر تلاش برای دستیابی به حقیقت نبوده است که در این صورت معذور بودند، بلکه علت آن بغی و حسد و نزاع و طمع به دنیا و زینت آن بوده است. ایشان آیه 17 سوره جاثیه را هشدار برای مسلمانان می‌دانند که مثل بنی اسرائیل دچار این

اختلاف نشوند (تفسیرالوسیط؛ 1/106؛ 3/2330 و 2400).

تفسیر نمونه در شرح این آیات سرچشمه اختلافات مذهبی را نه جهل و بی خبری بلکه بغی، ظلم، ستمگری، لجاجت، انحراف آگاهانه از حق و اعمال نظرهای شخصی می داند و عاملان آن را نیز دانشمندان دنیا طلب و عوامل متعصب و کینه توز معرفی می کند (تفسیرنمونه؛ 2/96 و 20/381).

سید بن قطب نیز در تفسیر این آیات توضیح می دهد که این اختلاف به خاطر جهل به حقیقت نبوده است بلکه بعد از اینکه عالم شدند و با اینکه حق و مسیر صحیح را می دانستند به خاطر بغی و ظلم و حسادت و نزاع متفرق شدند. سپس بغی که سرچشمه اختلافات است را حسد، طمع، حرص و هوی و هوس معنا می کند و بیان می دارد که دو نفر بر اصل حقی که برایشان روشن شده اختلاف نمی کنند مگر اینکه در وجود یکی از آنها یا هر دو بغی باشد (فی ظلال القرآن؛ 1/21 و 38، 5/314 و 3228).

شریف لاهیجی نیز در تفسیر خود بر این آیات علت و انگیزه اختلاف دینی را سرکشی و حسد و طلب ریاست می داند نه از جهت شبهه ای که عارض ایشان شده باشد (تفسیر شریف لاهیجی؛ 1/30).

سیوطی هم احادیثی نقل می کند که موید همان مطالب گذشته است (الدر المنثور؛ 6/4:2/1).

نقش عالمان و اخلاق حرفه ای آنان در تقریب مذاهب اسلامی

می بینیم که در فرهنگ قرآنی در بحث اختلاف در دین دو نکته حائز اهمیت است. نکته اول اینکه عامل مهم ایجاد اختلاف، عالمان دینی هستند. همانطور که عالمان مهمترین عوامل ایجاد اختلافند در عین حال می توانند تاثیر گذارترین نقش را در ایجاد اتحاد مسلمین داشته باشند. اینجاست که با این تاکید قرآن کریم نقش عالمان دینی در تقریب مذاهب و اتحاد اسلامی بیش از پیش روشن می شود.

این تاکید بر نقش عالمان دینی در سخنان طلایه داران تقریب نیز دیده می شود. برای مثال امام خمینی (ره) در مورد گروههای موثر در اتحاد مسلمانان تاکید می کنند که: «دسته دیگر علمای اسلام هستند و مراجع عالی مقام هستند. آنها هم مسئولیتشان خیلی زیاد است. شاید به یک معنا مسئولیت علمای اسلام از همه کس زیادتر باشد» (صحیفه امام خمینی، 2/35). مقام معظم رهبری نیز در این مورد اشاره می کنند که «مهمترین مسئولیت این کنفرانس و امثال آن، شناسایی مبانی وحدت و رفع موانع آن می باشد. به اعتقاد ما کوچکترین این موانع، ذهنیت عامه مردم است که باید اصلاح شود و این امر جز به دست علما، روشنفکران، نویسندگان و کسانی که قدرت هدایت افکار عمومی را دارند میسر نیست» (اتحاد و انسجام؛ 52). شیخ محمد غزالی (متوفی 1416 ه.ق.) نیز از عوامل مهم در شکل گیری وحدت میان توده های مردم را نقش عالمان دینی در کلیه ی فرقه های اسلامی می داند. او معتقد است اگر عالمان در سخنرانی ها، کنفرانس ها و نوشتارهای خود به موضوع وحدت توجه کنند جو جامعه اسلامی نیز به سوی وحدت پیش خواهد رفت (اتحاد و انسجام، 492).

نکته دوم این است که عاملان تفرقه با اینکه علم به حقیقت دین داشتند به خاطر مقید نبودن به اخلاق

فردی و حرفه ای خود و به عبارت دیگر ظلم و حسادت و رذیلت های اخلاقی، در دین اختلاف ایجاد کردند. بطور کلی هر فرد علاوه بر اینکه نسبت به رفتار خود دارای مسئولیت است و نسبت به تمام کسانی که با آنها در ارتباط است مسئولیت اخلاقی دارد، از حیث شغل و مقام اجتماعی که در جامعه دارد نیز مسئول است. به عبارت دیگر مسئولیت اخلاقی فرد علاوه بر اخلاق فردی شامل اخلاق شغلی و حرفه ای او نیز می شود (اخلاق حرفه ای؛ 100). این بحث شامل عالمان مذاهب مختلف نیز می شود. ایشان باید ضمن تهذیب نفس و پرهیز از پرخاشگری، ناسزاگویی، هرزه گویی و بدزبانی، افراطی‌گری، غرور علمی، بزرگ‌نمایی و نبش قبر اختلافات، حمله علیه مقدسات، بی‌احترامی به دیگران و در یک عبارت دوری از هرگونه «بغی»، با یکدیگر روابط نیکو و تعامل سازنده داشته باشند.

یک عالم مذهبی از لحاظ اخلاق حرفه ای نباید علیه مذاهب اسلامی دیگر تبلیغ منفی کند. امروزه نیز در برخی از بلاد اسلامی هنوز هستند کسانی که بنام شیعه و سنی و یا دیگر فرق اسلامی با دیدگاه انحصاری و غیرقابل انعطاف به تبلیغ منفی علیه دیگران می‌پردازند. این وظیفه خطیر عالمان دینی است که از انجام چنین برخوردهای سبک و منافی با مصالح امت اسلامی و تبلیغات منفی علیه مذاهب اسلامی جلوگیری نمایند. پیشگام این گونه حرکت‌های منفی و غیرمنطقی عده ای از ملاهای بی سواد و یا کم سواد هستند که به سادگی در دام طرفندهای سیاست بازان قرار گرفته و به خیال خدمت، به دین اسلام خیانت و جفا می‌نمایند. پیروان مذاهب اسلامی حق دارند به طور آزادانه از آموزه‌ها و تعالیم مذهبی خویش تبلیغ نمایند، اما نه منطلق اسلامی و نه مصلحت جهان اسلامی و نه اصل اخوت و برادری به هیچکس اجازه نمی‌دهد که از تبلیغات منفی علیه سایر مذاهب اسلامی استفاده نمایند.

عالمان و اندیشمندان، باید از اظهار نظرهایی که سبب تحریک هم‌مذهبان آنان می‌شود، جلوگیری کنند. حجم زیادی از کشمکش‌های شدید فرقه ای و واگرایی در جوامع دینی را می توان معلول بی احترامی و عدم توجه متقابل گروه ها به باورها و مقدسات و در نتیجه تحریک عواطف و احساسات مذهبی یکدیگر دانست. از نقاط آسیب پذیر وحدت مسلمانان ، کوتاه نگری و بزرگ نمایی اختلاف و حساسیت های بی مورد و بی جهت در پاره ای امور مذهبی است که بهانه دست دشمن می دهد و او را برای شکاف آفرینی و افزایش دامنه و حجم تبلیغات ضد انسجام اسلامی مهیا می سازد (درآمدی بر اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ 215).

نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت اخلاق عالمان در تقریب مذاهب اسلامی در قرآن کریم، می توان اینگونه نتیجه گرفت که یکی از راهکارهای اساسی تقریب مذاهب اسلامی، محور قرار دادن اخلاق عالمان مذاهب است و برای تحقق تقریب مذاهب اسلامی باید عالمان دینی مذاهب مختلف متوجه اخلاق فردی و به خصوص اخلاق حرفه ای خود باشند. همچنین پیشنهاد می شود که در راستای علم اخلاق حرفه ای بر گرایش اخلاق عالمان دین (و یا عالمان و مبلغان دین) نیز با برگزاری کنفرانس، تالیف کتب و... بطور جدی

منابع

- (1) قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
- (2) اتحاد و انسجام، موسسه امام هادی(ع)، نشر پیام امام هادی(ع)، قم، چاپ اول 1386
- (3) اخلاق حرفه ای، فرامرز قراملکی احد، نشر مولف، چاپ اول 1382
- (4) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، سیوطی جلال الدین، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، 1404
- (5) المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، چاپ محمد سید کیلانی، تهران، 1332 ش
- (6) بحار الانوار، محمد تقی مجلسی، بیروت، 1403
- (7) ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه علمی مدرّسین حوزه علمیه قم، قم، 1374
- (8) تفسیر الوسیط (زحیلی)، زحیلی وهبة بن مصطفى، دار الفكر، دمشق، 1422
- (9) تفسیر شریف لاهیجی، شریف لاهیجی محمد بن علی، دفتر نشر داد، تهران، 1373
- (10) تفسیر نمونه، مکارم شیرازی ناصر، دار الکتب الإسلامية، تهران، 1374
- (11) جامع السعادات، مهدی بن ابی ذر نراقی، چاپ محمود کلانتر، نجف، 1387
- (12) درآمدی بر اتحاد ملی و انسجام اسلامی، علی بابایی، نشر نور مطاف، قم، چاپ اول، 1386
- (12) صحیفه امام خمینی(ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ دوم، تهران، 1379
- (13) فی ظلال القرآن، سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، نشر دارالشروق، بیروت- قاهره، 1412
- (14) لسان العرب، ابن منظور، بیروت 1408 / 1988
- (15) مجمع البحرین، فخرالدین بن محمد طریحی، چاپ احمد حسینی، تهران 1362 ش
- (16) معجم الفروق اللغویة، حسن بن عبدا الله عسکری، الحاوی لکتاب ابی هلال العسکری و جزءاً من کتاب السید نورالدین الجزائری، قم 1412
- (17) معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قم 1404